

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و چهارم، شماره سه، پاییز ۱۴۰۱

صص ۱۹۱-۱۶۵

آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲^۱

امیرحسین نیازپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: ضابطان از نخستین کارگزاران اند که با کنش گران دعوی کیفری روبه‌رو می‌شوند. ایفاء نقش شایسته آنان به مؤلفه‌های متعددی وابسته است. آموزش از جمله برجسته‌ترین هاست. در چارچوب آن، ضابطان با هنجارهای ناظر به چگونگی کنش‌گری، انواع حق‌های متهمان و بزه‌دیدگان و شیوه‌های پیشگیری از جرم آشنا می‌شوند.

روش: این پژوهش کاربردی است و با شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای آموزش ضابطان را بررسی کرده است.

یافته‌ها: پایه آموزش ضابطان در آموزه‌های حقوقی و جرم‌شناسانه وجود دارد و در آیین دادرسی کیفری ایران بایستی انکارناپذیر است. دادستان‌ها تکلیف یافته‌اند تا نسبت به آموزش ضابطان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند. این جنبه اساسی در اصل یکصد و پنجاه و ششم که به رسیدگی شایسته به دعوای کیفری، گسترش عدالت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین افراد ناظر است، ریشه دارد. کارگزاران قضایی باید به شناسایی کاستی‌ها و برگزاری دوره‌های آموزش ضابطان مبادرت ورزند و در این زمینه پاسخ‌گو باشند.

نتیجه‌گیری: مسئولیت و اجراء دوره‌های آموزش ضابطان به دادستان‌ها واگذار شده است. بر همین اساس، قوه قضاییه باید با سنجش نیازها و پیش‌بینی سرفصل‌های لازم زمینه‌های برگزاری دوره‌های فراگیر شایسته را فراهم آورد. در این نوشتار، مبانی و چگونگی آموزش ضابطان در قلمرو آیین دادرسی کیفری ایران بررسی شده است.

کلید واژه: ضابطان دادگستری، دادرسی منصفانه، آیین دادرسی کیفری، متهمان، بزه‌دیدگان.

^۱ این مقاله برگرفته از تحقیق پژوهشی مستقل توسط نگارنده است.

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

در آیین دادرسی کیفری کارگزاران قضایی و پیراقضایی متعددی نقش ایفاء می‌کنند. کارگزاران قضایی وظیفه رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به دعوی کیفری را بر عهده دارند. برای نمونه، می‌توان به ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره کرد که برابر آن دادگاه باید رأی صادر کند. صادر شدن رأی و نمایان شدن واقعیت‌های مربوط به جرم به سلسله‌ای از اطلاعات و گزارش‌ها و کنش‌گری‌های دیگر کاردان‌ها وابسته است. انجام این اقدام‌ها اصولاً از سوی کارگزاران پیراقضایی صورت می‌پذیرد. آنان به شکل‌های مختلف به مقام‌های قضایی یاری می‌رسانند. شماری در فرآیند شناخت شخصیت مرتکبان بزهکاری و دسته‌ای دیگر، در زمینه شناسایی و نگاهداری آثار جرم، گردآوری دلایل و اطلاعات مربوط به پدیده مجرمانه و پیشگیری از رها شدن مرتکبان بزهکاری از عدالت کیفری نقش ایفاء می‌کنند. مددکاران اجتماعی، پزشکان قضایی و ضابطان دادگستری از آن جمله هستند که در راستای برقراری عدالت و پاسخ دادن به جرم گام برمی‌دارند.

در این میان، ایفاء نقش ضابطان از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا، دارای اختیار و قدرت برای گرفتن آزادی افراد می‌باشند. (خالقی، ۱۳۹۹: ۶۴)، این کارگزاران براساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در سرتاسر فرآیند کیفری در زمینه شناسایی جرم، گردآوری دلایل و انجام بررسی‌های نخستین، ابلاغ برگه‌های قضایی و اجراء آراء قضایی دارای وظیفه و اختیاراند. بنابراین، رویکرد و چگونگی کارکرد آنان در دسترسی سامانه عدالت کیفری به هدف‌ها تأثیرگذار است.

کنش‌گران دعوی کیفری از حق‌های بنیادی متعددی برخوردار هستند که طبیعتاً باید از سوی همه کارگزاران مانند ضابطان رعایت و تضمین شوند. حق‌های دسترسی به هنگام به عدالت کیفری، برخورد کرامت‌مدارانه، داشتن قلمرو و ویژگی‌های اختصاصی، بهره‌مندی از وکیل و آزادی از برجسته‌ترین آن‌ها هستند. (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۹۸).

آموزش ضابطان در شناسایی و تضمین این حق‌ها، منصفانه کردن و بالا بردن کارآیی اقدام‌ها در زمینه مهار بزهکاری و متهمان نقش آفرین است. زیرا، به موجب آن کارگزاران مذکور با چرایی و جنبه‌های آن، چارچوب قانون‌مندان و مهارت‌های لازم آشنا می‌شوند. قانون‌گذار در ماده ۳۰ قانون مذکور به آن توجه کرده و گذراندن دوره‌های آموزشی را در شمار شرایط ضابط شدن قرار داده است.

آموزش ضابطان در شناسایی و تضمین این حق‌ها، منصفانه کردن و بالا بردن کارآیی اقدام‌ها در زمینه مهار بزهکاری و متهمان نقش آفرین است. زیرا، به موجب آن کارگزاران مذکور با چرایی و جنبه‌های آن، چارچوب قانون‌مندان و مهارت‌های لازم آشنا می‌شوند. قانون‌گذار در ماده ۳۰ قانون مذکور به آن توجه کرده و گذراندن دوره‌های آموزشی را در شمار شرایط ضابط شدن قرار داده است. بر همین اساس، برابر تبصره آن «دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.» افزون بر این، فصل دوم آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری ۱۳۹۴ نیز به آموزش ضابطان اختصاص یافته است تا به موجب برنامه‌ریزی انسجام یافته‌ای در این زمینه اقدام شود. به موجب بند پ ماده ۱ این آیین‌نامه دوره‌های آموزشی «مجموعه آموزش‌هایی است که برای کسب مهارت‌های لازم و انجام وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار می‌شود.» به این‌سان، آموزش ضابطان در پرتو رویکرد آیین‌نامه مذکور، از یک‌سو به مهارت آموز ساختن آنان و از سوی دیگر، به شناساندن بنیان‌های ایفاء نقش این کارگزاران ناظر است. به هر رو، آموزش فرآیند آسان کردن فراگیری و رسیدن به دانش، مهارت‌ها و باورها است. در این عرصه است که، افراد با هنجارها، شیوه‌ها و چگونگی ایفاء نقش در پهنه‌های عمومی و ویژه جامعه آشنا می‌شوند. (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

آموزش ضابطان دارای بنیان‌های متعددی است. زیرا، کنش‌گری آنان در پهنه عدالت کیفری تبلور داشته و ناظر به انسان است. شماری از آن‌ها را باید در آموزه‌های جرم‌شناسانه و دسته‌ای دیگر را باید در هنجارهای ناظر به دادرسی و رفتار منصفانه جست‌وجو کرد. در جرم‌شناسی برای عدالت کیفری که به بزه‌کاری و بزه‌دیدگان پاسخ می‌دهد، هدف‌های بازپروری بزه‌کاران، بازدارندگی کیفری، ترمیم زیان‌های برآمده از جرم، حمایت از بزه‌دیدگان و تضمین حق‌های جامعه متعددی پیش‌بینی شده است که نوع کنش‌گری‌های کارگزاران عدالت کیفری در دسترسی به آن‌ها تأثیرگذار است. (رگولی و هوایت، ۲۰۸۸: ۳۱۴). آموزش ضابطان دادگستری دارای مبانی حقوقی و پیرا حقوقی بوده و برگزاری دوره‌های آموزش برای این دسته می‌تواند به افزایش شناخت بنیان‌ها که قاعدتاً باید اساس کنش‌گری‌های آنان در فرآیند کیفری باشد، بیانجامد. بنابراین، با توجه به این که کارگزاران قضایی به‌خصوص دادستان‌ها در پاسداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین افراد دارای تکلیف هستند، آموزش ضابطان دادگستری می‌تواند در راستای مسئولیت آنان در تضمین حق‌ها و آزادی‌های پیش‌گفته مورد توجه قرار گیرد. در این نوشتار برای شناسایی جنبه‌های آموزش کارگزاران مذکور از مبانی، تکلیف‌داران و چگونگی آموزش ضابطان در قلمرو آیین دادرسی کیفری ایران سخن به می‌آید.

مبانی

رعایت و تضمین اصول و هدف‌های عدالت کیفری به نوع کنش‌گری‌های کارگزاران مانند ضابطان وابسته است. آشنا ساختن آنان با بنیان‌ها یا اقدام‌ها در پهنه عدالت کیفری نقش توجه‌پذیری در اجراء اصول و رعایت هنجارهای پیش‌بینی شده، ایفاء می‌نماید. این آموزش‌ها که در سیاست جنایی ایران شناسایی شده است، در آموزه‌های حقوقی و حق افراد در برخورداری از دادرسی و رفتار منصفانه و هم‌چنین در یافته‌های جرم‌شناسانه پایه دارد. چه این که، منصفانه و کارآ شدن عدالت کیفری به مجموعه کنش‌گری‌های کارگزاران این سامانه وابسته است.

آموزش ضابطان از جمله حق‌های این کارگزاران به شمار می‌رود. زیرا، حق بر آموزش از حق‌های بنیادین همگان است و در پرتو آن افراد باید با مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و چگونگی رفتار کردن آشنا شوند. این حق دارای دو جنبه است. یکم، بعد فراگیر آن است. در چارچوب آن همگان حق دارند تا از آموزش عمومی بهره‌گیرند. دوم، جنبه ویژه آن است. براین اساس، کارگزاران حرفه‌ای برای آشنا شدن به مهارت‌ها، فن‌ها و شیوه‌های مربوط به چگونگی کنش‌گری در چارچوب آن باید آموزش ببینند. این آموزش که دارای بعد حرفه‌ای است، حق همه کارگزاران عدالت کیفری و هم چنین، تکلیف آن دسته مانند دادستان است که در این زمینه وظیفه پاسداری از حق‌ها و آزادی‌های افراد را برعهده دارند. به این ترتیب، آموزش ضابطان حق این کارگزاران است تا در پرتو آموزش‌های مناسب اسباب توانمند شدن و فراگیری مهارت‌های لازم برای ایفاء نقش درست و کنش‌گری شایسته آنان فراهم شود.

مبانی حقوقی آموزش ضابطان دادگستری حق متهمان بر دادرسی منصفانه

در آیین دادرسی کیفری^۱ الگوی دادرسی منصفانه که با رویکردی انسان‌مدارانه در راستای رسیدگی به جرم‌ها گام برمی‌دارد، مورد توجه‌ترین است. در الگوی مذکور شناسایی و تضمین آیین‌های کرامت‌مدارانه مانند قانون، آزادی و برابری مداری، ارج نهادن به گفتار متهمان به‌عنوان یک انسان، بی‌گناه‌پنداری، خوددایستا، بی‌سویه و شایسته بودن نهادهای رسیدگی‌کننده را بایستی بنیادی به شمار می‌رود. (پارکر، ۱۹۶۸: ۸).

این الگو پس از جنگ دوم جهانی و برای کنار گذاشتن الگوهای کیفری انسان‌ستیزی که پیش از آن کاربرد داشتند، در سیاست جنایی سازمان ملل متحد راه پیدا کرد. اعلامیه

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری فرصت‌ها و چالش‌ها)، نشر میزان.

جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ یکمین خواست بین‌المللی در این زمینه است تا آن‌گونه که در گزاره‌های آغازین درآمد آن بیان شده است، تا حق انسان‌ها در همه عرصه‌ها شناسایی و تضمین شود. برای نمونه، می‌توان به ماده ۵ و بند ۱ ماده ۱۱ اشاره کرد که برابر آن‌ها بکارگیری رفتارهای ناسازگار با رفتار انسان‌ها مانند شکنجه و بزهکارپنداری باید کنار گذاشته شود. سپس، همه این اصول بایدی و حق‌های متهمان در فرآیند کیفری از رهگذر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شد تا رعایت و تضمین آن‌ها با توجه به بایدی بودن این پیمان در شمار تعهدهای کشورها قرار گیرد.^۱ در سال ۱۹۹۰ و در هشتمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با بزهکاران اصول اساسی بکارگیری از زور و سلاح از سوی ضابطان دادگستری به تصویب رسید تا در پرتو آن الگوی کنش‌گری‌های این دسته از کارگزاران عدالت کیفری شناسانیده شود. در درآمد آن بیان شده است، ضابطان دارای نقش برجسته‌ای در پهنه عدالت کیفری هستند و براین اساس باید با رعایت و تضمین «حق بر زندگانی و حق بر امنیت فردی و آزادی» در راستای اجراء قانون و برقراری عدالت گام بردارند. به این ترتیب، الگوی دادرسی کیفری منصفانه از رهگذر اسناد بایدی و سفارش‌کننده شناسایی شده است تا در پرتو آن همه کارگزاران عدالت کیفری از جمله ضابطان با تضمین اصول به رسیدگی و واکنش نشان دادن مباردت ورزند.

در قانون اساسی اصول متعددی در فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» برای برپاساختن «عدالت کیفری شایسته» یا همان الگوی دادرسی منصفانه پیش‌بینی شده است. رعایت و تضمین این اصول در شمار وظیفه‌های ضابطان نیز می‌باشد. کارگزاران یاد شده باید کرامت انسانی متهمان و حق‌های بنیادی آنان مانند برابری و آزادی‌مداری، بی‌گناه پنداری را شناسایی و تضمین کنند. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵: ۴) به خصوص این‌که،

^۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: فضایی، مصطفی. (۱۳۹۷). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، مؤسسه

شماری از آن‌ها بیش‌تر به نوع کنش‌گری ضابطان مرتبط است. برای مثال، می‌توان به اصل‌سی‌ودوم اشاره کرد که برابر آن اقدام ضابطان باید برپایه قانون و با تضمین حق افراد در برخورداری بیشینه از آزادی انجام پذیرد.^۱

این سیاست، در یکمین فصل قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز تبلور یافته است. به موجب آن اصول بی‌گناه‌پنداری، کرامت‌مداری، خودایستا و ناجانبدار بودن و برابری مداری فراهم‌کننده منصفانه‌سازی دادرسی هستند که ضابطان باید این اصول را رعایت و تضمین کنند. (رستمی، ۱۳۹۷: ۳۴). چه این‌که، آیین دادرسی کیفری برابر ماده ۱ دربرگیرنده مرحله‌های متعددی است که به موجب ماده ۲۸ کنش‌گری در آن‌ها به ضابطان نیز واگذار شده است و آنان به هنگام انجام وظیفه در فرآیند کیفری باید به این اصول راهبر پایبند باشند. (صادق‌منش، ۱۳۹۴: ۲۱).

رعایت و تضمین اصول دادرسی منصفانه از سوی ضابطان به مؤلفه‌های متعددی به خصوص آموزش وابسته است. در پرتو آن کارگزاران مذکور اصول و حق‌ها و چگونگی پایبندی به آن‌ها را فرا می‌گیرند. در اصول اساسی بکارگیری از زور و سلاح از سوی ضابطان دادگستری ۱۹۹۰ به آموزش ضابطان در زمینه چگونگی کنش‌گری و تضمین حق‌های متهمان به شکل برجسته‌ای توجه شده است. مواد ۱۸ تا ۲۱ آن به آموزش این کارگزاران اختصاص پیدا کرده است تا دولت‌ها با برنامه‌ریزی دانش‌بنیان در راستای آموزش ضابطان کاردان و قانون‌مدار گام بردارند. به هررو، این کارگزاران دارای قدرت‌اند و نوع رفتار آنان با متهمان نقش درخوری در تضمین حق‌ها و آینده رفتاری این دسته ایفاء می‌کند. به همین جهت، ضابطان در دوره‌های آموزشی باید با اصول دادرسی منصفانه و شیوه‌های بکارگیری آن‌ها آشنا شوند. در ماده ۳۰ قانون مذکور و فصل دوم آیین‌نامه یاد شده آموزش ضابطان به‌عنوان شرط بنیادی برای کنش‌گری آنان در این جایگاه پیش‌بینی شده است تا از این رهگذر با مهارت‌ها و

۱. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: رجیبی، ابراهیم. (۱۳۸۹). پلیس و حقوق شهروندی، نشر منتهی.

هنجارهای ناظر به چگونگی اقدام‌های کرامت‌مدارانه با متهمان آشنا شوند. در فرآیند کیفری رفتار ضابطان در زمینه شناسایی جرم‌ها، پی‌گرد و دستگیری، بازجویی، نگارش پاسخ‌های و زیرنظر گرفتن متهمان آن‌گاه جنبه منصفانه می‌یابد که بر قانون استوار بوده و تضمین‌کننده حق‌های آزادی و برابری باشد.

این بایدها و نبایدها در زمینه چگونگی کنش‌گری ضابطان در بندهای متعددی از قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ شناسایی شده و از رهگذر بند ۱۰ آموزش این کارگزاران سازوکاری بایدی برای فراگیری و اجراء درست ضوابط رفتار با متهمان به شمار آمده است. نیز، براساس ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی،... از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی پنداشته شده است. به همین جهت، در بند ۵ ماده ۵ آیین‌نامه مذکور «آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص» در شمار هدف‌های بنیادی دوره‌های آموزشی این دسته قرار گرفته است.

به این ترتیب، آشنا شدن این کارگزاران با هنجارهای ناظر به این الگوی دادرسی کیفری در حق متهمان به دادرسی منصفانه پایه دارد. زیرا، این آموزش ضابطان را به سوی فراگیری ضوابط چگونگی رفتار آنان با متهمان و توانمند ساختن این دسته برخورد کرامت‌مدارانه با مرتکبان بزهکاری و تضمین حق‌های این افراد در فرآیند کیفری رهنمون می‌سازد.

حق بزه‌دیدگان بر رفتار منصفانه

آیین دادرسی کیفری در دیردوران بیش‌تر به پی‌گرد متهمان و مجازات دادن بزهکاران توجه داشت و بزه‌دیدگان از جایگاه دادخواه کیفری برخوردار بودند. پنداشت برتر این بود که کیفر دادن به بزهکاران شایسته‌ترین پاسخ عدالت کیفری به بزه‌دیدگان است.

این رویکرد تا دهه ۱۹۶۰ بر آیین دادرسی کیفری استیلاء داشت. پس از آن حمایت از بزه‌دیدگان شناسایی شده است. بزه‌دیدگان آن دسته از شهروندان هستند که در پی ارتکاب یافتن بزهکاری زیان‌های متعددی دیده‌اند و باید پیش از هر نوع کنش‌گری با روش‌های مناسب حمایت شوند.

حمایت از بزه‌دیدگان به‌عنوان یک حق بنیادی شناسایی شده است. چه این که، تأمین امنیت شهروندان و وظیفه اساسی دولت هاست و باید نخست به حمایت از بزه‌دیدگان مبادرت ورزند و سپس در راستای انجام دیگر اقدام‌ها گام بردارند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۴). حق بزه‌دیدگان برای حمایت شدن در سیاست جنایی سازمان ملل متحد شناسایی شده است. برای نمونه، می‌توان به اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ اشاره کرد که از رهگذر ماده ۳ حمایت برابر از همه بزه‌دیدگان در پهنه عدالت کیفری را از حق‌های این دسته به شمار آورده است. در این اعلامیه حمایت‌ها دارای گونه‌های متعددی است که «جبران زیان‌های برآمده از جرم» و «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه» از برجسته‌ترین آن هستند.

دسترسی بزه‌دیدگان به عدالت و رفتار منصفانه جلوه‌های پرشماری دارد که رفتار کرامت‌مدارانه و براساس ارزش نوع دوستی، آگاه ساختن آنان از حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان در عرصه عدالت کیفری، یاری رسانیدن همه جانبه به این شهروندان، کنش‌گری شتابان برای رسیدگی به دادخواهی کیفری از مهم‌ترین آن هستند. (کارمن، ۱۹۸۴: ۳۹۴). در پرتو این اعلامیه بکارگیری اقدام‌های مناسب در زمینه دسترسی بزه‌دیدگان به این حق‌ها و وظیفه همه کارگزاران عدالت کیفری از جمله ضابطان است. به همین جهت، برابر ماده ۱۶ آموزش این دسته در شمار اصول بنیادی قرار گرفته است. آموزش این کارگزاران که به افزایش دانش حقوقی و پیراحقوقی آنان نسبت به بزه‌دیدگان می‌انجامد، نقش توجه‌پذیری در دسترسی بزه‌دیدگان به حق‌ها و روبه‌رو شدن آنان با رفتارهای حمایت‌گرایانه ضابطان دارد. آشنا شدن با بنیان و گونه‌های

حق‌های بزه‌دیدگان و توانمند شدن برای چگونگی یاری رسانیدن به آنان در فرآیند کیفری در منصفانه بودن رفتار این کارگزاران با بزه‌دیدگان تأثیرگذار است. (دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، ۱۹۹۹: ۵۷). به این ترتیب، آموزش این دسته و آشنا ساختن آنان با جنبه‌های مختلف بزه‌دیده‌شناسی و چگونگی حمایت از بزه‌دیدگان از سوی ضابطان در حق آنان بر رفتار منصفانه پایه دارد.

حق بزه‌دیدگان بر رفتار منصفانه در شماری از اصول قانون اساسی به خصوص اصول سی و چهارم و سی و پنجم شناسایی شده است. بزه‌دیدگان در پرتو این اصول از حق دادخواهی و دسترسی به وکیل در سرتاسر فرآیند کیفری برخوردارند و از این رو، دولت باید همه زمینه‌ها و ابزارهای لازم را برای به اجراء درآمدن این حق‌ها فراهم نماید. همین رویکرد، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تبلور یافته است. به موجب ماده ۱ آیین دادرسی کیفری باید تضمین‌کننده حق‌های بزه‌دیدگان باشد و بر همین اساس ضابطان دادگستری نیز وظیفه حمایت از بزه‌دیدگان را بر عهده دارند.^۱ برای مثال، می‌توان به ماده ۳۸ اشاره کرد. آشکار است که، آموزش این کارگزاران در زمینه حق‌های بزه‌دیدگان و توانمند ساختن این دسته در ارائه خدمات‌های حقوقی به این شهروندان نقش توجه‌پذیری در رفتار منصفانه با بزه‌دیدگان ایفاء می‌نماید.

آموزش ضابطان دادگستری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرایانه.
براساس نظریه تعامل‌گرایانه نوع کنش‌گری ضابطان در شناخته شدن شماری از شهروندان به عنوان بزه‌کار و یافتن هویت مجرمانه نقش بنیادی دارد. در این چارچوب، میان آنان که از سوی ضابطان بزه‌کار به شمار می‌روند با دیگران که باوجود ارتکاب جرم، بزه‌کار شناخته نشده‌اند، تفاوت نیست. بلکه؛ آنان صرفاً در پالایش‌گری و کنش‌گری‌های این کارگزاران به عنوان ناقضان باید‌ها و نباید‌های کیفری شناخته

^۱. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: شیری، عباس. (۱۳۹۵). رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده در مراحل دادرسی، در:

نجفی ابرنبدادی، علی‌حسین (زیر نظر)، دایره‌المعارف علوم جنایی، نشر میزان.

می‌شوند. (سیگل، ۲۰۹۹: ۲۱۸). این اقدام، به حضور این دسته در عرصه عدالت کیفری و خوردن برچسب مجرمانه می‌انجامد و اسباب شکل‌گیری هویت مجرم و روآوری‌های پایدار این دسته به بزهکاری را فراهم می‌آورد. بنابراین، نوع اقدام ضابطان در فرآیند شناسایی و اعلام جرم به کارگزاران قضایی به موجب بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در پرتو نظریه مذکور بررسی‌پذیر است. براساس آن گزارش ضابطان از موجبات شروع شدن فرآیند تعقیب است و دقیق نبودن آن می‌تواند زمینه زدن برچسب مجرمانه به شماری از افراد را فراهم آورد.

هم‌چنین، وارد ساختن نابجای اتهام به افراد، تحت نظر قرار دادن متهمان در شرایط ناضروری، توجه نداشتن به اهمیت حفظ دلایل و صحنه وقوع جرم، انجام ناشایست تحقیقات بوم‌مدارانه و ابلاغ نکردن دقیق برگه‌های قضایی از جمله وظیفه‌های این کارگزاران است که می‌تواند در زدن برچسب مجرمانه و چه بسا ماندگار شدن متهمان در عرصه بزهکاری نقش آفرین باشد. بنابراین، آموزش کارگزاران مذکور و آشنا ساختن آنان با پیامدهای اقدام‌های این دسته از رهگذر دوره‌های آموزشی جرم‌شناسی با موضوع‌های مربوط مانند قضا‌زدایی و تعقیب‌زدایی می‌تواند در کاهش زدن برچسب مجرمانه و افزایش دقت در انجام کنش‌گری‌های پیش‌دادرسی و در واقع، کاهش احتمال شکل‌گیری هویت مجرمانه تأثیرگذار باشد.

آموزش ضابطان دادگستری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه. پیشگیری از جرم دربرگیرنده مجموعه تدابیر ناکیفری است که پیش از ارتکاب بزهکاری و برای تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا بکار گرفته می‌شوند. این تدابیر جنبه فردمدارانه یا موقعیت‌مدارانه دارند، پیشگیری فردمدارانه بیش‌تر به چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد توجه دارد و دارای دو گونه جامعه و رشدمدارانه است. در شکل یکم؛ با بکارگیری اقدام‌های محیط‌مدارانه زمینه‌های هنجارمند شدن افراد پدید می‌آید. در این عرصه آموزش رفتارنامه‌های حرفه‌ای که قاعدتاً به جامعه‌پذیری و رعایت اخلاق

حرفه‌ای در برخورد با متهمان و بزهدیدگان می‌انجامد، نقش توجه‌پذیری در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی شده ایفاء می‌کند. این آموزش می‌تواند سطح رفتار با کنش‌گران دعوی کیفری را دگرگون ساخته و از گرایش یافتن آنان به ارتکاب جرم‌ها در ستیز با شهروندان در عرصه عدالت کیفری مانند کوچک شمردن متهمان پیشگیری نماید. برای مثال، در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چارچوب رفتاری ضابطان در برخورد با متهمان شناسایی شده است. دسته‌ای از آنها از جمله «... استفاده از کلمات موهن ...» مجرمانه‌اند و بنابراین، آموزش چگونگی رفتار کردن با متهمان، توانمند ساختن آنان در اجراء هنجارها و شکل گرفتن شخصیت هنجارمند در این کارگزاران و در واقع، قانون‌پذیر کردن این دسته در فرآیند انجام وظیفه‌ها می‌تواند در کاهش این بزهکاری‌ها نقش آفرین باشد.

در شکل دوم؛ تدابیر پیشگیرانه به کودکان و نوجوانان مشکل‌دار ناظر است. انگاره بر این است که بودن مشکل‌دار در فرآیند رشد و جامعه‌پذیری این دسته و نبود حمایت‌های مناسب اسباب به عادت شدن بزهکاری در آنان را فراهم می‌سازد.^۱ از این‌رو، آموزش کارگزاران مذکور در زمینه چگونگی برخورد با این بزهکاران می‌تواند در پیشگیری از به عادت شدن بزهکاری در آنان نقش آفرین باشد. این آموزش به موجب بند ت ماده ۵ لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است تا برخورد ضابطان با کودکان و نوجوانان بزهکار کارکرد پیشگیری رشد‌مدارانه داشته باشد.^۲ به هر رو، ضابطان در پرتو این آموزش با بنیان دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان و چگونگی کنش‌گری در این فرآیند نسبت به بزهکاران مذکور که به یاری پیشگیرانه نیاز دارند، آشنا شدن و بر همین اساس می‌توانند با زدودن چالش تربیت این دسته اسباب کاهش

۱. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: فرانسس، آلن و راس هامل. (۱۳۹۳). پیشگیری رشد‌مدار از جرم، ترجمه مهدی مقیمی و باقر شاملو، نشر میزان.

۲. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۴). پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران (ضرورت‌ها و کارکردها)، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

احتمال مزمن شدن بزهکاری را فراهم نمایند. در همین زمینه می‌توان به ماده ۱۲ لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان اشاره کرد. برابر آن پلیس رو به رو شونده با کودکان و نوجوانان دارای کج‌روی مانند فرار از منزل باید از روش‌های مناسب برای مدیریت خطر و ارتکاب نایافتن بزهکاری استفاده کند.

علاوه براین، ضابطان براساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه پیشگیری موقعیت‌مدارانه دارای وظیفه هستند. در چارچوب این شاخه از مجموعه‌ای از اقدام‌های ناقهرآمیز برای مدیریت وضعیت‌های پیش‌جنایی و کاهش فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم استفاده می‌شود. (کلارک، ۱۹۹۷: ۲). ماده ۹۷ نمونه برجسته‌ای در این زمینه است. به این اساس، آشنا ساختن آنان با بنیان‌ها و شیوه‌های این گونه پیشگیری که در بند ۸ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ نیز شناسایی شده است، می‌تواند در حمایت از افراد در آستانه خطر بزه‌دیدگی تأثیرگذار باشد. بنابراین، آموزش کارگزاران مذکور در زمینه چگونگی بکارگیری شیوه‌های پیشگیری موقعیت‌مدارانه مانند حفاظت از بزه‌دیدگان می‌تواند به اجراء درست این تکلیف هنجارمندانه و دستور پیشگیرانه کارگزاران قضایی بیانجامد.

آموزش ضابطان دادگستری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی بازپرورانه. در فرآیند بازپروری مجرمان روش‌ها، نوع برخورد کارگزاران عدالت کیفری در اصلاح و تربیت بزهکاران و دوباره جامعه‌پذیر شدن آنان نقش آفرین است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱) به همین جهت، چگونگی برخورد ضابطان اهمیت فراوان دارد. این هدف در مواد ۸۱ و ۲۰۳ تبلور یافته است. آموزش کارگزاران مذکور در زمینه یافته‌های جرم‌شناسی بازپرورانه و شناخت جنبه‌های مختلف شخصیت جنایی می‌تواند در نوع برخورد آنان با متهمان و بازسازی شخصیت این دسته تأثیرگذار باشد. زیرا، انجام تحقیقات بوم‌مدارانه درست از سوی ضابطان و گردآوری اطلاعات دقیق از وضعیت خانواده متهمان، شرایط بزه‌دیدگان، سکونت‌گاه مرتکبان بزهکاری و یا نوع برخورد با مجرمان به زندان افتاده

به هنگام انتقال از زندان به مراجع قضایی می‌تواند، از یک سو بایسته‌های بازپروری مجرمان که همانا شناخت شخصیت این دسته است، را فراهم آورد و از سوی دیگر، در برخورد تأثیرگذار برای اصلاح و تربیت بزهکاران مانند نمایاندن الگوی رفتاری شایسته به مجرمان نقش آفرین باشد.

آموزش ضابطان دادگستری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی حقوقی

سامانه عدالت کیفری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسانه هدف‌های متعددی از جمله بازدارندگی کیفری دارد. برای رسیدن به بازدارندگی کیفری مؤلفه‌های سرعت و قاطعیت در رسیدگی‌ها دارای نقش برجسته‌ای هستند. (بکاریا، ۱۳۹۵: ۸۳). دسترسی به این هدف به چگونگی پیش‌بینی واکنش‌های کیفری و نیز ایفاء نقش کارگزاران مانند ضابطان وابسته است. زیرا، مدت‌دار شدن رسیدگی به دعوای کیفری از سوی این کارگزاران سرعت و اقدام کیفری در زمان متعارف را به چالش می‌کشد. هم‌چنین، نبود قطعیت در رسیدگی تردید نظام عدالت کیفری در پاسخ دادن به بزهکاری را نمایان می‌سازد.

به همین جهت، در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ رسیدگی در زمان متعارف در شمار اصول قرار گرفته است. این اصل باید از سوی همه کارگزاران از جمله ضابطان بکار گرفته شود. هدف مذکور در بند ۴ ماده ۵ آیین‌نامه مذکور شناسایی شده است. از این رو، معاونت منابع انسانی قوه قضاییه باید از رهگذر تدوین دوره‌های آموزش جرم‌شناسی حقوقی اسباب توانمند ساختن ضابطان در زمینه کنش‌گری سرعت یافته و دقیق، بکارگیری اقدام‌های شایسته به منظور شناخت حقیقت قضایی، برخورد قطعیت یافته با متهمان و پیشگیری از فرار آنان را فراهم آورد. بر همین اساس، توانمند ساختن ضابطان دادگستری در زمینه کنش‌گری سرعت یافته و دقیق برای شناسایی جرم‌های به وقوع پیوسته، بکارگیری اقدام‌های شایسته به منظور شناخت حقیقت قضایی،

برخورد قطعیت یافته با متهمان و پیشگیری از فرار آنان از رهگذر آموزش می‌تواند به دسترسی عدالت کیفری به مذکور بیانجامد.

روش

این پژوهش کاربردی و با شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای جنبه‌های حقوقی و جرم‌شناسانه آموزش ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری ۱۳۹۴ را بررسی کرده است.

یافته‌ها

در سیاست جنایی ایران به آموزش ضابطان به صورت بنیادی توجه شده است. آموزش این کارگزاران در افزایش شناخت این دسته با بنیان‌های کنش‌گری و توانمند ساختن آنان در زمینه انجام هدف‌های متعددی مانند بازپروری بزهکاران، بازدارندگی کیفری و یا برقراری سازش ترمیمی نقش آفرین است. به همین جهت، علاوه بر پیش‌بینی رفتار آموزش به شناسایی تکلیف‌داران نیز مبادرت ورزیده شده است تا با هدفمندی و برنامه‌ریزی انسجام یافته‌ای گام برداشته شود. زیرا، کنش‌گری ضابطان در برقراری عدالت کیفری و تضمین حق‌ها تأثیرگذار است.^۱

این کارگزاران دارای وظیفه‌های متعددی مانند شناسایی جرم، گردآوری دلایل و دستگیری متهمان در سرتاسر فرآیند کیفری هستند. نوع برخورد آنان در چگونگی رسیدن به هدف‌ها از جمله بازپروری بزهکاران و یا ترمیم زیان‌های وارد شده به بزه‌دیدگان نقش آفرین است. (سیگل، ۲۰۰۸: ۲۲۷). به این ترتیب، آموزش ضابطان می‌تواند به اثربخش کردن مجموعه تکلیف‌های این کارگزاران و رسیدن به هدف‌های پیش گفته بیانجامد.

کارگزاران آموزش حقوقی و پیرا حقوقی ضابطان دادگستری

۱. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: آشوری، محمد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، انتشارات سمت.

تکلیف‌داران آموزش ضابطان دادگستری. برابر بند ۴ اصل یکصد و پنجاه و ششم «کشف جرم و تعقیب...» از جمله وظیفه‌های بنیادی قوه قضاییه است. در این پهنه دادسرا تکلیف یافته است تا در این راستا اقدام کند. این نهاد برای شناسایی رفتارهای مجرمانه و پی‌گرد متهمان به کارگزاران قضایی و پیراقضایی نیاز دارد. کارگزاران پیراقضایی متعدّداند که ضابطان از برجسته‌ترین‌ها به شمار می‌روند. آنان بیش‌تر در زمینه اجراء دستورهای قضایی برای حاضر و دستگیر کردن متهمان، دریافت تأمین کیفری، گردآوری و حفظ دلایل، انجام معاینه و تحقیقات بوم‌مدارانه و ابلاغ برگه‌های قضایی کنش‌گری می‌کنند. قانون‌گذار به دوشکل ویژه و فراگیر مسئولیت کارگزاران مذکور را به مقام‌های قضایی سپرده است. براساس ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کارگزاران مذکور در سطح ویژه باید در هر پرونده دستور مقام‌های قضایی رسیدگی‌کننده و در سطح فراگیر دستورهای دادستان را به اجراء درآورند.

به این ترتیب، برقراری عدالت کیفری، انجام کنش‌گری‌های مربوط به آن، مسئولیت نهادهای نقش‌آفرین در این زمینه به خصوص ضابطان بر عهده قوه قضاییه گذارده شده است و این نهاد وظیفه یافته تا از رهگذر دادستان‌ها این کارگزاران را آموزش دهد. (اسدی، ۱۳۹۴: ۳۱۵). ضابطان براساس رویکردهای قانون‌گذار در ماده ۳۳ از کارگزاران زیرنظر قوه قضاییه/دادستان‌ها به شمار می‌روند. بنابراین، آموزش و نظارت بر چگونگی کارکرد ضابطان تکلیف سپرده شده به دادستان‌ها است و از این‌رو، کارگزاران مذکور باید از رهگذر برنامه‌ای چارچوب‌مند به بالا بردن سطح کنش‌گری‌های آنان مبادرت ورزند.

نظارت بر چگونگی برگزاری دوره‌های آموزشی از رهگذر مواد ۱۶ و ۲۰ بر عهده دو نهاد زیرمجموعه قوه قضاییه به ویژه دادستان کل کشور گذارده شده است. بر این اساس، دادستان کل کشور باید با ایجاد تشکیلات مناسب نظارت بر آموزش ضابطان را

در پیش گیرد تا از این رهگذر این کارگزاران با قلمروها، جنبه‌ها و بنیان‌های ایفاء نقش به‌عنوان ضابط و چگونگی کنش‌گری در راستای دادرسی و رفتار منصفانه آشنا شوند. علاوه بر این، مطابق ۲۸۸ «دادستان کل کشور بر کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب نظارت دارد و به منظور حسن اجراء قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادسراها می‌تواند اقدام به بازرسی کند و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به مراجع قضایی مذکور صادر نماید. هم‌چنین، وی پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذی ربط ارائه می‌کند.»

به این‌سان، دادستان کل کشور دارای مسئولیت‌های متعددی در زمینه آموزش ضابطان است. یکم این که، وظیفه یافته است تا پس از انجام ارزیابی‌های دقیق «سرانه آموزش ضابطان دادگستری» را برای پشتیبانی مالی و فراهم آوردن امکانات آموزشی را شناسایی و به مراجع مربوط پیشنهاد دهد. دوم این که، در زمینه برگزاری دوره‌های پایدار آموزشی و نیز کیفیت آن بر عملکرد دادستان‌ها نظارت نماید، سوم این که، باتوجه به نظارت و سنجش صورت گرفته گزارش چگونگی برگزاری دوره‌های مذکور و نتیجه‌های به‌دست آمده از آن به خصوص در زمینه اثربخش بودن یا نبودن دوره‌ها را تهیه و به رییس قوه قضاییه ارائه کند.

این وظیفه‌های دادستان کل کشور را در اصل یکصد و پنجاه و ششم مانند «احیاء حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» ریشه دارد. زیرا، قوه قضاییه و از لحاظ ساختاری دادستان کل کشور وظیفه دارند تا در راستای تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین افراد تدابیر و اقدام‌های لازم را بکار گیرند. بنابراین، آموزش ضابطان و ارتقاء سطح عملکرد آنان از مصادیق برجسته تکلیف مذکور است که قاعدتاً از رهگذر نظارت، ارزیابی و ارائه پیشنهادهای مناسب می‌تواند نتیجه بخش باشد.

البته؛ این نهاد در اجراء این تکلیف دارای «دفتر نظارت بر ضابطین و زندان‌ها» و «دفتر نظارت بر دادسراها» است که طبیعتاً از رهگذر آن‌ها می‌تواند با شناسایی ضعف‌های

کنش‌گری‌های ضابطان پیشنهادی لازم برای افزایش توانمندی و مهارت‌های آنان را ارائه دهد. آموزش ضابطان آن‌چنان اهمیت دارد که به موجب ماده ۲۰ نیز «نظارت بر حسن اجراء...» از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب و ارتقاء دهنده دانش این کارگزاران را به معاون اول رییس قوه قضاییه واگذار نموده‌اند.

یاری‌گران آموزش ضابطان دادگستری. در سیاست جنایی ایران علاوه بر دادستان‌ها که دارای مسئولیت در زمینه آموزش ضابطان هستند، شماری از نهادها وظیفه یافته‌اند تا با دادستان‌ها برای اجراء درست این تکلیف و برگزاری دوره‌های هدفمند و کارآ آموزشی همکاری کنند. به موجب ماده ۵ معاونت منابع انسانی قوه قضاییه تکلیف یافته است تا به تدوین دوره‌های آموزشی برای رسیدن به هدف‌های برجسته‌ای از جمله «... ارتقاء دانش حقوقی، توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی، کمک به افزایش سطح کیفی مرحله کشف جرم در نظام دادرسی کیفری، کمک به سرعت و دقت در رسیدگی‌های کیفری و آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص...» مبادرت ورزد.

چه این‌که، ضابطان در شمار منابع انسانی قوه قضاییه هستند و براین اساس برای رسیدن به هدف‌های پیش گفته که برآمده از الگوی «عدالت کیفری شایسته» است، باید دوره‌های آموزشی را تدوین و اجراء کند. عدالت کیفری شایسته آن الگوست که به تضمین حق‌های متهمان، بزه‌دیدگان و جامعه در فرآیند کیفری توجه دارد. به رسمیت شناختن و تضمین این حق‌ها در شمار تکلیف‌های کارگزاران قضایی و پیراقضایی مانند ضابطان است.

در همین چارچوب، از رهگذر ماده ۱۹ برای آموزش ضابطان به پیش‌بینی سرانه آموزشی مبادرت ورزیده‌اند تا کارگزاران براساس اصول و ضوابط ناظر به کنش‌گری‌ها مهارت‌آموز شوند. این رویکرد در پایدار ساختن آموزش کارگزاران مذکور نقش

توجه پذیری دارد و می‌تواند به اثربخش و روزآمدشدن مجموعه اقدام‌های ضابطان بیانجامد.

تبلور آموزه‌های حقوقی و پیراحقوقی در رفتار و فرآیند آموزش ضابطان دادگستری

رفتار آموزش حقوقی و پیراحقوقی ضابطان دادگستری. آموزش ضابطان کنشی رفتاری است و در پرتو آن باید ماهیت اقدام‌های ضابطان در انجام وظیفه‌ها و بکارگیری اختیارها را ارتقاء بخشید. از این رو، باید با هدفمندی و برنامه‌ریزی در راستای آموزش این کارگزاران گام برداشت. در همین زمینه و با توجه به نوع کنش‌گری ضابطان دوره‌های آموزشی مربوط را به گونه‌ای باید تدوین کرد که از رهگذر آن زمینه‌های آشنا شدن این کارگزاران با جنبه‌ها و یافته‌های مختلف ناظر به چگونگی ایفاء نقش در عرصه عدالت کیفری فراهم آید.

بنابراین، شماری از دوره‌های آموزشی باید به شناساندن علوم جنایی حقوقی ناظر باشد. از این رو، ضابطان باید در دوره‌های آموزشی با موضوع‌های بنیادی این پهنه مانند تعریف و رکن‌های جرم و مسئولیت کیفری و موانع آن و هم‌چنین ساختار عدالت کیفری، انواع حق‌های متهمان و بزه‌دیدگان، چارچوب وظیفه‌ها و اختیارها به هنگام برخورد با بزهکاری‌های مشهود و نامشهود، چگونگی کنش‌گری ضابطان در هر یک از مرحله‌های فرآیند کیفری، نوع ارتباط با کارگزاران قضایی، چگونگی گردآوری دلایل و مراقبت از آن‌ها و تهیه گزارش‌های لازم از رخدادهای جنایی، قلمرو وظیفه‌ها و اختیارهای کارگزاران قضایی به‌خصوص دادستان‌ها و بازپرس‌ها و ضوابط مربوط به «مرحله تحت نظر» آشنا شوند.^۱

علاوه براین، افزایش دانش ضابطان در زمینه بنیان‌های پیراحقوقی بایدی انکارناپذیر است. براین اساس، تدوین دوره‌های آموزشی در زمینه علوم جنایی پیراحقوقی از جمله

^۱ برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۸). دیباچه آیین دادرسی کیفری، انتشارات خرسندی.

مجموعه ضوابط مربوط به شاخه‌های جرم‌یابی، یافته‌های جرم‌شناسانه، بزه‌دیده‌شناسانه و جامعه‌شناسی کیفری می‌تواند در اثربخش‌تر شدن کنش‌گری‌های آنان نقش آفرین باشد.

به این سان، معاونت منابع انسانی قوه قضاییه که به موجب تبصره ماده ۶ آیین‌نامه مذکور عهده‌دار «تعیین مواد درسی و سرفصل‌های آموزشی ...» است، باید به هدف‌گذاری، شناسایی نیازها از رهگذر دریافت پیشنهادهای کارگزاران قضایی، ارزشیابی‌های درون‌سازمانی و کنش‌گران دعوای کیفری و براساس آن به تدوین دوره‌های آموزشی مبادرت ورزد.

در ماده ۶ آیین‌نامه پیش گفته البته؛ به صورت مانند آور به شماری از دوره‌های آموزشی اشاره شده است. «شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان‌های کیفری، توانایی تشخیص نحوه تفکیک جرایم مشهود از غیرمشهود، تشخیص نوع وظایف و اختیارات آن‌ها در جرایم مشهود و غیرمشهود، توانایی تشخیص مسئولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان بار ضابطان، توانایی و شناخت لازم جهت همکاری و تعاون با سایر مراجع قضایی در امور کیفری، شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن» از دوره‌های مذکور هستند.

به نظر می‌رسد باید به برگزاری دوره‌های آموزشی که جنبه بنیادی داشته باشند، نیز مبادرت ورزید. ضابطان علاوه بر آشنا شدن با چارچوب‌های حقوقی مربوط به چگونگی کنش‌گری باید شیوه‌های برخورد با بزه‌دیدگان، متهمان و سایر افراد که وارد این پهنه می‌شوند را فراگیرند. برای نمونه، می‌توان به ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره کرد. ضابطان در اجراء این دستور باید روش‌های پیشگیری موقعیت مدارانه را بکار گیرند. از این رو، باید با یافته‌های پیشگیرانه آشنا شوند تا بتوانند در فرآیند اجراء دستور بازپرس تدابیر مناسب را اتخاذ نمایند. نیز، می‌توان ماده ۴۲ را مثال زد. پیش‌بینی و اجراء این سیاست به آشنا بودن ضابطان با آموزه‌های پیشگیری

رشدمدارانه پیوند دارد. زیرا، ارتکاب بزهکاری این دسته در دوره کودکی و نوجوانی نشانه خطر است و چنان چه به آن با روش‌های مناسب پاسخ داده نشود، احتمال ماندگاری آنان در عرصه بزهکاری افزایش می‌یابد.

بنابراین، برگزاری دوره‌های آموزشی مانند جرم‌شناسی پیشگیرانه، بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌گرایانه، کیفرشناسی، جرم‌شناسی بازپرورانه، جامعه‌شناسی کیفری، جرم‌شناسی حقوقی، جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان، اقتصادی و رایانه‌ای برای ضابطان می‌تواند تا اندازه زیادی در کارآوردن مجموعه کنش‌گری‌های آنان نقش آفرین باشد.

فرآیند آموزش حقوقی و پیرا حقوقی ضابطان دادگستری

چگونگی شناسایی فراگیران دوره‌های آموزشی. فراگیران این دوره آن دسته از کارگزاران عدالت کیفری هستند که برای ضابط شدن گزینش می‌شوند. این اقدام نخست از سوی دستگاه‌های مربوط صورت می‌پذیرد. مسئولان آن‌ها مانند فرماندهان نیروی انتظامی شهرستان باید با توجه به معیارگذاری‌های درون سازمانی و سطح توانمندی آنان در زمینه ضابط بودن در راستای شناسایی این کارگزاران گام بردارند. در این مرحله به موجب ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «... وثاقت و مورد اعتماد بودن ...» از معیارهای بنیادی به شمار می‌روند. این معیارها در مواد ۴ و ۹ آیین نامه مذکور نیز مورد توجه قرار گرفته است.

سپس، این کارگزاران برای گذراندن دوره‌های آموزشی به دادستان‌ها شناسانده می‌شوند. دادستان‌ها پس از ارزیابی کارگزاران پیشنهاد شده و در نظر گرفتن توان نخستین آنان در زمینه فراگیری دوره‌های آموزشی و ایفاء نقش مناسب به عنوان ضابط می‌تواند مطابق ماده ۱۰ به شناساندن این کارگزاران به معاونت منابع انسانی قوه قضاییه برای برگزاری دوره‌ها مبادرت ورزند.

چگونگی سپری شدن دوره‌های آموزشی. آموزش ضابطان دادگستری نتیجه‌مدار

است. این کارگزاران علاوه بر شرکت کردن در دوره‌های آموزشی برای فراگیری آموزه‌های حقوقی و پیرا حقوقی مربوط به چگونگی ایفاء نقش باید این دوره را با

موفقیت سپری کنند. زیرا، شرکت کردن در این دوره‌ها نمی‌تواند شاخص مناسب برای ارزیابی سطح توانمندی آنان به شمار رود. بلکه؛ از رهگذر برگزاری آزمون باید به شناسایی نهادینه شدن اطلاعات علمی و شیوه‌های لازم برای چگونگی کنش‌گری این کارگزاران و میزان بهره‌مندی آنان از یافته‌های حقوقی و پیرا حقوقی مبادرت ورزید. به همین جهت، در ماده ۱۰ موفقیت در آزمون‌های پایان دوره‌های آموزشی از بایدهای ضابط شدن به شمار آمده است. بنابراین، شرکت کنندگان در دوره‌های آموزشی باید علاوه بر سپری کردن دوره‌ها از آزمون‌های برگزار شده با موفقیت گذر نمایند تا بر این اساس گواهینامه شرکت در دوره‌های مذکور و پذیرش در آزمون‌ها که از بایدهای بنیادی در فرآیند ضابط شدن است، را به دست آورند.

از رهگذر ماده ۱۲ نیز به بودن این گواهینامه برای صادر شدن کارت ویژه ضابط اشاره گردیده است. به موجب آن «صدور کارت ویژه ضابط دادگستری منوط به دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی و تأیید دادستان خواهد بود.» آموزش ضابطان از شرط‌های تمدید کارت ویژه ضابط دادگستری نیز به شمار می‌رود. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۴ «تمدید کارت مذکور منوط به شرکت ضابطان در دوره‌های آموزشی حین خدمت و قبولی در این دوره است.»

البته؛ برابر ماده ۱۱ در فرآیند آموزش و پذیرش در آزمون‌ها برای آنان که نتوانسته‌اند موفقیت به دست آورند، فرصت دوباره پیش‌بینی شده است. در این صورت، رد شدگان دو ماه مهلت می‌یابند تا در آزمون‌های دوباره شرکت کنند. اما، رد شدن دوباره به کنارگذاری آنان از ضابط شدن برای کمینه یک سال می‌انجامد. اگرچه، این دسته پس از سپری شدن یک سال می‌توانند در صورت معرفی شدن در آزمون سوم شرکت نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

در آیین دادرسی کیفری الگوی منصفانه بودن رسیدگی از مورد توجه‌ترین الگوهاست. زیرا، در چارچوب این الگو رسیدگی بر تضمین کرامت افراد چه متهمان و چه بزه‌دیدگان استوار است و از این رو، همه کارگزاران کیفری باید با جنبه‌ها و اصول

برآمده از آن آشنا شوند. منصفانه بودن و نیز اثربخش بودن تدابیر عدالت کیفری در برخورد با متهمان و بزهدیدگان به مؤلفه‌های متعددی وابسته است. در این میان، چگونگی کنش‌گری‌های کارگزاران عدالت کیفری نقش توجه‌پذیری دارد. ضابطان از جمله کارگزاران پیرا قضایی هستند که چگونگی ایفاء نقش آنان در فرآیند کیفری بر رسیدن نظام عدالت کیفری به هدف‌ها و اجراء اصول در چارچوب آن تأثیرگذار است.^۱ بر همین اساس، برای شناسایی جنبه‌های آموزش ضابطان در سیاست جنایی ایران نخست، مبانی و سپس، چگونگی آموزش آنان بررسی شد تا از این رهگذر بایدهای رفتاری و فرآیندی دوره‌های آموزشی این کارگزاران، میزان توجه سیاست‌گذاران جنایی به مبانی حقوقی و پیرا حقوقی آن و نیز تکلیف‌داران این آموزش نمایان شود.

آموزش در انجام وظیفه‌های این کارگزاران از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر این اساس، در آیین دادرسی کیفری ایران برای آموزش ضابطان هنجارگذاری شده است تا از این رهگذر مجموعه کنش‌گری‌های آنان بیش‌تر کارآ شود. زیرا، آموزش این کنش‌گران در ارتقاء شخصیت نهادی آنان و فراگیری رفتارنامه‌های حرفه‌ای تأثیرگذار است. از این دریچه، آموزش به پیشگیری جامعه‌مدارانه می‌انجامد و در پایبندی ضابطان دادگستری به هنجارها و شکل‌ناگرفتن انگیزه مجرمانه تأثیرگذار است. اگرچه، بکارگیری تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدارانه که در سند تحول قضایی نیز با پیش‌بینی دو راهبرد «پیشگیری از تخلف ضابطان» و «پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران بازداشتگاه‌ها و تحت نظرگاه‌ها» مورد توجه قرار گرفته است، نیز می‌تواند در انجام شایسته وظیفه‌های این کارگزاران نقش آفرین باشد.

به این ترتیب، آموزش ضابطان از دو جهت بررسی پذیر است. یکم این‌که، قوه قضاییه به‌عنوان برقرارکننده عدالت کیفری وظیفه آموزش این کارگزاران را برعهده دارد. دوم این‌که، رفتار و فرآیند آموزش ضابطان باید به صورت هدفمند و براساس برنامه‌ریزی

۱. برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل.

شکل گیرد. بنابراین، وظیفه مذکور در اصل یکصد و پنجاه و ششم و بند ۱۱ سیاست‌های کلی قضایی ۱۳۸۱ که به «بالابردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی» ناظر است، ریشه دارد تا از این رهگذر آموزش کارگزاران پیش گفته جنبه بنیادی یابد. این رویکرد، آموزش ضابطان را از پایه‌های اساسی اجراء عدالت و حق افراد در برخورداری از عدالت کیفری شایسته و تضمین کننده کرامت بشری به شمار می‌آورد. اجراء ناشدن تکلیف پیش‌بینی شده برای دادستان‌ها از رهگذر تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دارای ضمانت اجراء نیز می‌باشد. به موجب ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات ۱۳۹۰ «تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است، با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج است.» به این ترتیب، آموزش کارگزاران مذکور صرفاً به شکل ارشاد گرایانه مورد توجه قرار نگرفته، بلکه بایدی بوده و بر همین اساس دارای ضمانت اجراء است. از یک سو ضمانت اجراء سپری ناشدن دوره‌های آموزش برای کارگزاران نیروی انتظامی شناخته ناشدن آنان به عنوان ضابط است و از سوی دیگر، اجراء ناشدن این تکلیف از سوی دادستان‌ها اسباب بکارگیری ضمانت اجراء اداری را فراهم می‌آورد.

پیشنهادها

برای اجراء این سیاست‌ها اگرچه اقدام‌های متعددی انجام پذیرفته است، اما به نظر می‌رسد ارتقاء سطح آموزش این کارگزاران به ایجاد نظام ارزشیابی عملکرد دادستان‌ها در زمینه آموزش این کارگزاران، ایجاد نظام پاسخ‌گو بودن قوه قضاییه در زمینه کنش‌گری‌های ضابطان، تهیه و تدوین رهنمودنامه‌های دوره‌های آموزش ضابطان، ایجاد نظام پایش این کارگزاران با رویکرد چالش‌شناسانه، تقویت تعامل با دانشگاهیان در این زمینه، تعریف دوره‌های آموزشی پیرا حقوقی و تدوین دوره‌های آموزشی افتراقی برای ضابطان نیازمند است. به هر رو، ضابطان دارای قدرت و سلاح هستند و همین

موقعیت چگونگی اجراء قانون و نوع برخورد آنان با متهمان و بزهدیدگان را حساس و اهمیت دار می کند.

سپاسگزاری

نویسنده از استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی سپاسگزاری می نماید.

منابع

۱. اسدی، لیلیاسادات. (۱۳۹۴). شرحی بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (کلیات ضابطان). انتشارات فکر سازان.
۲. بکاریا، سزار. (۱۳۹۵). رساله جرایم و مجازات‌ها. ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان.
۳. خالقی، علی. (۱۳۹۹). آیین دادرسی کیفری. جلد اول: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزهدیده‌شناسی حمایتی. نشر دادگستر.
۵. رحمت‌اللهی، حسین؛ دانش ناری، زهرا. (۱۳۹۳). حق و آزادی آموزش و پرورش. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۳(۷)، ۷۰-۵۳. <http://ensani.ir/fa/article/351744>
۶. رستمی، هادی. (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری. نشر میزان.
۷. صادق منش، جعفر. (۱۳۹۴). ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها). مرکز مطبوعات و انتشارات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۸. صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۹). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و راه‌های مواجهه با آن. مجله مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، (۱)، ۱۵۳-۱۹۶. http://sspp.iranjournals.ir/article_631
۹. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری. جلد ۱: نشر میزان.
۱۰. رانسس، آلن؛ هامل، راس. (۱۳۹۳). پیشگیری رشدمدار از جرم. ترجمه مهدی مقیمی و باقر شاملو، نشر میزان.
۱۱. کارمن، اندرو. (۱۳۹۴). قربانیان جرم (درآمدی بر بزهدیده‌شناسی). ترجمه محمدتقی نوری، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی (در باره رابطه آیین دادرسی کیفری با جرم‌شناسی). مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، نشر گرایش.

13. larke, Ronald V.(1997). *Situational Crime Prevention*. Harrow and Heston Pub.
14. Paker, H.L. (1968). *Two Models of the Criminal Process*. University of Pennsylvania Law Review 113 (November 1964): 3. 57.
15. Seigel, L.J. (2008). *Introduction to Criminal Justice*. Thomson Wad worth Pub.
16. Seigel, L.J. (2009). *Criminology*. Thomson Wadworth Pub.
17. Regoli, R.M., Hewitt, J.D. (2008). *Exploring Criminal Justice*. Jones and Bartlett Pub.
18. United Nations Office of Counter-terrorism. (2015). *Basic Human Rights Reference Guide:Right to a Fair Trial and Due Process in the Context of Countering Terrorism*. UN Pub.
19. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODCP). (1999). *Handbook on Justice for victims*. UN Pub.